

بررسی رابطه ی وضعیت اقتصادی - اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان شهرکرد

محسن امیری دهکردی^۱، طیبه شریفی^۲، محمد قاسمی پیربلوطی^۳

^۱ دانشجوی دکترای روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، ایران

^۲ استادیار گروه روان شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

^۳ استادیار روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، ایران

نام نویسنده مسئول:

محسن امیری دهکردی

چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیرات جنسیت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهر شهرکرد پرداخته است. نمونه شامل ۱۰۲ مرد و ۹۸ زن در سن ۱۵ تا ۱۹ ساله از مدارس متوسطه شهرکرد بودند. مقیاس وضعیت اقتصادی اجتماعی برای جمع آوری داده ها مورد استفاده قرار گرفت در حالیکه نمره کل بدست آمده توسط دانش آموزان در پایه ی قبلی به عنوان معیار پیشرفت تحصیلی مورد استفاده قرار گرفت. آمار توصیفی، میانگین، انحراف معیار، خطای استاندارد میانگین و تی تست مورد استفاده قرار گرفتند. این مطالعه نشان می دهد که جنسیت بر پیشرفت دانش آموزان در دبیرستان تأثیری نداشته است. همچنین نتایج این مطالعه تفاوت بین گروه های وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین و بالا را نشان می دهد. مشخص شده است که پیشرفت تحصیلی تحت تأثیر وضعیت اجتماعی-اقتصادی قرار دارد و افرادی که وضعیت اجتماعی - اقتصادی بالایی دارند عملکرد بهتری را از خود نشان می دهند. بر اساس این یافته ها، برخی از توصیه ها به طور گسترده ای برای اقدام و تحقیقات گسترده تر ارائه شده است.

کلمات کلیدی: جنسیت پیشرفت تحصیلی، دبیرستان، وضعیت اجتماعی-اقتصادی

مقدمه

زندگی بشر، که بهترین خلقت خداوند است، دو جنبه دارد: بیولوژیکی و جامعه‌شناختی یا فرهنگی. در حالی که مورد اول توسط مواد غذایی و تولید مثل نگهداری و انتقال داده می‌شود، دومی از طریق آموزش حفظ و منتقل می‌شود؛ از طریق آموزش است که او هوش خود را ارتقا می‌بخشد و بر دانش خود می‌افزاید که با توجه به خواسته‌هایش می‌تواند دنیا را به سمت خوبی یا بدی ببرد. آموزش در واقع یکی از مهمترین فرآیندهای زندگی انسان است "همانطور که برخی فرآیندهای حیاتی در زندگی بیولوژیکی وجود دارد. بنابراین آموزش ممکن است یک پروسه حیاتی در علوم اجتماعی محسوب شود. آموزش برای زندگی عادی ضروری است. بدون آموزش، فرد برای زندگی گروهی شرایط لازم را کسب نمی‌کند.

پیشرفت تحصیلی در زمینه سیستم آموزشی که هدف آن توسعه پیشرفته تحصیلی کودک و توسعه منابع انسانی در سطح کلان است از اهمیت اولیه‌ای برخوردار است. پرورش و آموزش علمی یک کودک بر اساس دستاوردهای علمی وی نظارت می‌شود. دستاورد تحصیلی هسته‌ی واژه‌ی گسترده تری یعنی رشد تحصیلی است، اهمیت موفقیت تحصیلی در زندگی فرد نمی‌تواند بیش از اندازه مورد تأکید قرار بگیرد. سوابق تحصیلی ستون‌هایی است که شخصیت آینده افراد بر آن بنا نهاده می‌شود. دستاورد تحصیلی همیشه نقطه مرکزی حقیقات آموزشی بوده و با وجود تعاریف متنوع در مورد اهداف آموزش، پیشرفت تحصیلی کودک همچنان هدف اصلی و مهم آموزش و پرورش است. زندگی به طور کلی و برای یک دانش آموز به طور خاص بسیار رقابتی است. امروزه برای یک دانش آموز متوسط جایی وجود ندارد. فضاهای محدودی در جایگاه‌های رفیع حتی برای بهترین افراد وجود دارد. اهمیت پیشرفت تحصیلی سوالات مهمی را برای محققان آموزشی مطرح نموده است. چه عواملی باعث پیشرفت در دانش آموزان می‌شود؟ عوامل مختلف تا چه حدی به پیشرفت تحصیلی کمک می‌کنند؟ در این زمینه نقش وضعیت اجتماعی-اقتصادی نمی‌تواند انکار شود چرا که تاثیر زیادی بر شخصیت، یادگیری و توسعه فرد و پیشرفت تحصیلی وی دارد.

به طور کلی اعتقاد بر این است که کودکان متعلق به خانواده‌های سطح متوسط و بالا از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در معرض محیط آموزشی بهتری در خانه قرار دارند که این به دلیل ارائه و در دسترس بودن امکانات آموزشی اضافی است. این ایده توسط بکر و تامس (۱۹۷۹) پشتیبانی می‌شود، آنها ادعا می‌کنند که کاملاً مشخص است که والدین ثروتمند و تحصیلکرده، آینده فرزندان خود را با فراهم آوردن یک محیط یادگیری مطلوب، آموزش بهتر و شغل خوب تضمین می‌کنند. در مقابل این اعتقاد، کودکانی که از وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایینی برخوردار هستند، دسترسی به امکانات آموزشی اضافی ندارند؛ از این رو. فرصت برای رسیدن به بالای نردبان آموزشی برای آنان نمی‌تواند بسیار آسان باشد [۱].

دراموند و استیپک (۲۰۰۴) در هنگام بحث در مورد اینکه "عقاید والدین کم درآمد در مورد نقش خود در یادگیری آکادمیک کودکان" اشاره کردند که برخی از این پدر و مادرها بیان داشتند که مسئولیت آنان محدود به برطرف کردن نیازهای عاطفی بنیادی و اجتماعی مانند تهیه لباس، حمایت عاطفی و شیوه‌های اجتماعی کردن کودکان است. بنابراین این کوه فکری والدین نسبت به مسئولیت‌های آنان در فرآیندهای آموزشی فرزندان و کمبود بودجه برای تشدید چنین فرآیندهایی می‌تواند برای موفقیت فرزندان نشان چالش برانگیز باشد. مطالعه حاضر تلاش مستمر دارد تا به بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی بپردازد [۲].

چهار چوب مفهومی

در زمان ارزیابی جالب توجه توسعه آموزشی، زمانی که بسیاری از تغییرات در روش‌های سازمانی، برنامه درسی و تدریس در سازمان دیده می‌شود، لازم است اطلاعات سیستماتیک و به روز در مورد همبستگی قابل توجه دستاوردها دنبال شود. در این زمینه مناسب است که در یک زمان، عواملی را که بر پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند مانند پیشینه اجتماعی دانش آموز در نظر داشت.

چوپرا (۱۹۶۴)، رابطه بین پیشینه اجتماعی و اقتصادی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزان متعلق به گروه اجتماعی بالاتر از دانش‌آموزان که از گروه متوسط و پایین بودند، پیشرفت بسیار بالاتری داشتند. این مطالعه نشان داد که رابطه مثبتی بین زمینه اجتماعی اقتصادی و پیشرفت در انگلیسی و ریاضی و علوم وجود دارد [۳]. گاسوامی (۱۹۸۲) دریافت که در هر دو منطقه شهری و روستایی، گروه بالاتر از لحاظ وضعیت اجتماعی-اقتصادی در علوم زبان و علوم انسانی، بهتر از گروه پایین تر عمل کردند. تجزیه و تحلیل راتمن (۲۰۰۳) نشان داد که در همان مدرسه دانش‌آموزانی که از یک جامعه بالقوه اجتماعی بالاتر بودند، نتایج آزمون بهتری را نسبت به دانش‌آموزی که از یک گروه اجتماعی پایین تر است، بدست آوردند [۴]. سیرین (۲۰۰۵) توضیح می‌دهد: «ویژگی‌های متدولوژیکی مانند نوع معیارهای وضعیت اجتماعی-اقتصادی و ویژگی‌های دانش‌آموزان مانند رتبه دانش‌آموزی، وضعیت اقلیت و محل تحصیل، میزان ارتباط بین وضعیت اجتماعی-اقتصادی و پیشرفت تحصیلی را تعدیل می‌کند [۵].

رابطه بین وضعیت اجتماعی اقتصادی و پیشرفت تحصیلی به دلیل تعامل پیچیده ی تعدادی از متغیرها است. به نظر می رسد که به طور کلی این موضوع پذیرفته شده است که وضعیت اجتماعی اقتصادی تا حدود قابل توجهی در جنبه های مختلف تجربیات یادگیری دانش آموزان تاثیر می گذارد.

میوزوی، سورینز و بورن (۲۰۱۰) تعامل متغیرهای مختلف در تصمیم گیری دانش آموزان برای انصراف از تحصیلات عالی را مورد بررسی قرار دادند. آنها این موضوع را اعلام کردند که: در تعامل متغیرهایی که بررسی SES و جنبه های رفتار، انتخاب ها و نتایج دانش آموزان را مشخص می کند، بسیار پیچیده است [۶].

هدف این پژوهش، دستیابی به اهداف زیر است:

۱. تعیین اهداف آموزشی در میان دانش آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه
۲. تعیین اهداف تحصیلی در میان دانش آموزان دختر و پسر متعلق به وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالا در مقطع متوسطه
۳. تعیین اهداف تحصیلی در میان دانش آموزان دختر و پسر متعلق به وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین در مقطع متوسطه
۴. تعیین اهداف تحصیلی در میان دانش آموزان دختر و پسر متعلق به گروه هایی با وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین و بالا در مقطع متوسطه
۵. تعیین اهداف تحصیلی در میان دانش آموزان دختر متعلق به گروه هایی با وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین و بالا در مقطع متوسطه
۶. تعیین اهداف تحصیلی در میان دانش آموزان پسر متعلق به گروه هایی با وضعیت اجتماعی و اقتصادی پایین و بالا در مقطع متوسطه

فرضیه های مطالعه:

۱. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر در مقطع متوسطه تفاوت معناداری وجود نخواهد داشت.
۲. بین اهداف تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر متعلق به گروه های اجتماعی و اقتصادی بالا در سطح تحصیلات پس از دبیرستان تفاوت معناداری وجود نخواهد داشت
۳. بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر متعلق به گروه های اجتماعی و اقتصادی پایین در سطح تحصیلات متوسطه تفاوت معناداری وجود ندارد
۴. بین دستاوردهای تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر متعلق به گروه های اجتماعی و اقتصادی پایین و بالا در سطح تحصیلات بعد از دبیرستان تفاوت معناداری وجود ندارد.

یکی از مهمترین نتایج هر آموزش و پرورشی، موفقیت دانش آموزان است. بسته به سطح پیشرفت، افراد به دسته های پیشرفته و متوسط و پایین تقسیم بندی می شوند. بسیاری از مطالعات نشان می دهد که پیشرفت تحصیلی به متغیرهایی نظیر نظارت بر تحصیلات مدرسه و سازمان دهی آن و وضعیت اجتماعی و اقتصادی تحصیلی دانش آموزان، اشتیاق به تحصیل و رفتار خوب تنظیم شده بستگی دارد. علاوه بر این شخصیت فردی، آرزوهای حرفه ای، هوش خلاقانه، نگرش، ارزشها و غیره نیز بر آن تاثیر می گذارد، اما وضعیت اجتماعی-اقتصادی نقش مهمی ایفا می کند. تقسیم جامعه به طبقات مختلف و ارتباط والدین با یک طبقه خاص و ارتباط آن با آموزش فرزندان یکی از مهمترین ویژگی های جامعه ماست. خانه، همانطور که در سطح جهانی پذیرفته شده است، اولین مکتب کودک است. به این ترتیب، یک محیط خانه مناسب، سودمندترین چیز برای گسترش آموزش در میان اعضای جوان آن است. وضعیت اقتصادی والدین عامل مهمی در شکل دادن به نگرش آنها نسبت به تشویق یا نادیده گرفتن آموزش کودکان است. دانش آموزانی که متعلق به گروه هایی با وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا هستند، دریافت کنند.

برای تحقق بخشیدن به آرمان دموکراتیک برابری فرصت های آموزشی، لازم است دامنه ای را که در آن پیشرفت تحصیلی صورت می پذیرد برآورد شود، به این ترتیب موفقیت تحصیلی در سطح متوسطه تحت تاثیر متغیرهای اجتماعی و اقتصادی است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه متغیرهای اجتماعی-اقتصادی با موفقیت تحصیلی است. فرض شده است که نتیجه گیری هایی که براساس مطالعاتی انجام شده که مربوط به رابطه بین متغیرها و تأثیر آنها بر پیشرفت تحصیلی است، می تواند خط مشی مناسب برای بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستان را فراهم نماید.

مواد و روش ها

روش مورد استفاده برای این مطالعه توصیفی و آماری است. نمونه شامل ۲۰۰ دانش آموز است که از مدارس شهر شهرکرد انتخاب شده اند. از ۲۰۰ دانش آموز ۱۰۲ مرد و ۹۸ نفر زن و در دامنه سنی ۱۵-۱۹ سال می باشند. برای مطالعه تطبیقی پسران و دختران، نمونه هم

از پسران و هم دختران گرفته شد. از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای برای انتخاب دانش آموزان نمونه استفاده شد. در این مطالعه، ابزار استاندارد (مقیاس وضعیت اقتصادی اجتماعی) مورد استفاده قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده ها بر روی رایانه با نرم افزار SPSS 17 انجام شد.

یافته های تحقیق

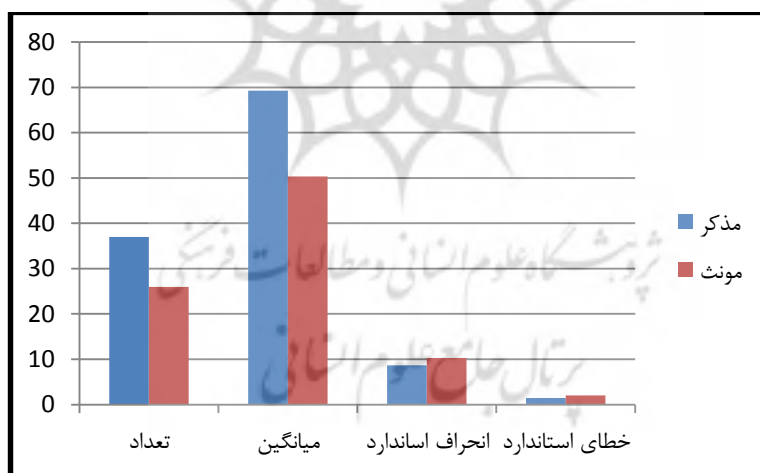
هنگامی که داده ها برای مطالعه تطبیقی موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (جدول ۱)، نتایج نشان داد که بین پیشرفت تحصیلی مردان و زنان تفاوت چشمگیری وجود ندارد ($df=198$ $t=0.364$).

جدول ۱. بزرگی تفاوت بین میانگین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	مقدار تی
مذکر	۱۰۲	۵۹,۴۲۱۶	۱۵,۶۴۸۰۱	۱,۵۴۹۳۸	۰,۳۶۴
مونث	۹۸	۵۸,۶۵۳۱	۱۴,۱۰۳۵۲	۱,۴۲۴۶۷	درجه آزادی: ۱۹۸

تعداد کل دانش آموزان دختر و پسر به ترتیب ۱۰۲ و ۹۸ بود که در جدول ۱ نشان داده شده است. میانگین نمره دستاوردهای دانش آموزان پسر ۵۹,۴۲۱ و میانگین نمره دانش آموزان دختر ۵۸,۶۵۳۱ بود. انحراف استاندارد پیشرفت دانش آموزان پسر ۱۵,۶۴۸۰۱ است و انحراف استاندارد پیشرفت دانش آموزان دختر ۱۴,۱۰۳۵۲ بود. خطای استاندارد میانگین نمره دستاورد دانش آموزان دختر و پسر به ترتیب ۱,۵۴۹ و ۱,۴۲۴ بود. مقدار تی محاسبه شده ۰,۳۶۴ است که در سطح ۰,۰۵ با درجه آزادی ۱۹۸ معنی دار نیست. بدین ترتیب فرضیه صفر که بیان می کند تفاوت بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر وجود ندارد، تایید می شود. این نشان می دهد که جنس بر پیشرفت تحصیلی تاثیر نمی گذارد. نتایج نیز در شکل زیر نشان داده شده است.

شکل ۱. نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر



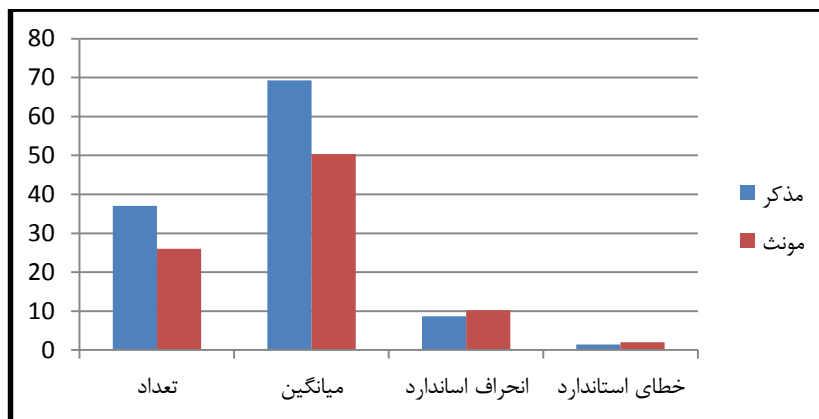
جدول ۲. اهمیت تفاوت در میزان موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر متعلق به وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد	مقدار تی
مذکر	۴۳	۷۲,۴۴۱۹	۱۳,۰۱۷۰۳	۱,۹۸۵۰۸	۰,۰۰۴
مونث	۳۷	۷۲,۴۳۲۴	۹,۸۱۹۳۱	۱,۶۱۴۲۹	درجه آزادی: ۷۸

جدول فوق نشان می دهد که ۴۳ دانش آموز پسر و ۳۷ دانش آموز دختر دارای وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالا هستند. میانگین دستیابی پسران (وضعیت اجتماعی-اقتصادی بالا) ۷۲,۴۴۱ و میانگین دستیابی دختران ۷۲,۴۳۲ است. انحراف معیار موفقیت دانش آموزان پسر ۱۳,۰۱۷ و انحراف معیار دانش آموزان دختر ۹,۸۱۹ می باشد. خطای استاندارد میانگین نمره موفقیت دانش آموزان پسر ۱,۹۸۵ است و دانش آموزان دختر ۱,۶۱ است. مقدار تی ۰,۰۰۴ است که در سطح ۰,۰۵ قابل توجه است. بنابراین فرضیه صفر که بیان می کند تفاوت معنی

داری بین دستاورد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دارای وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا وجود ندارد، تایید می‌شود. این امر نشان می‌دهد که بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر دارای وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج در شکل ۲ زیر نشان داده شده است.

شکل ۲. نمرات دستاوردهای دختران و پسران متعلق به وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا

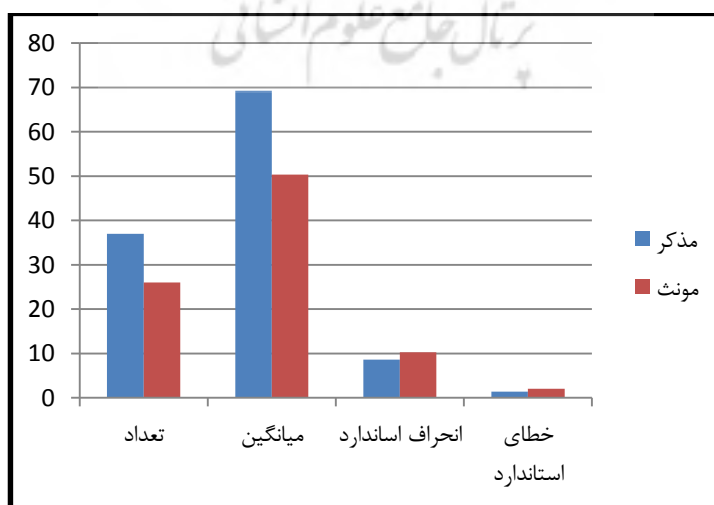


جدول ۳. اهمیت تفاوت بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر متعلق به وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین

مقدار تی	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت
۰,۹۳۲	۱,۶۳۲۰۵	۹,۹۲۷۳۶	۴۷,۹۴۵۹	۳۷	مذکر
درجه آزادی: ۶۱	۲,۰۱۳۷۵	۱۰,۲۶۸۱۷	۵۰,۳۴۶۲	۲۶	مونث

جدول بالا نشان می‌دهد که ۳۷ دانش آموز پسر و ۲۶ دختر دارای وضعیت اقتصادی- اجتماعی سطح پایین هستند. میانگین پیشرفت پسران (وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین) ۴۷,۹۴۵ و میانگین پیشرفت دختران (وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین) ۵۰,۳۴۶ است. انحراف معیار دستیابی دانش آموزان پسر ۹,۹۲۷ و انحراف معیار دانش آموزان دختر ۱۰,۲۶۸ است. خطای استاندارد نمره موفقیت دانش آموزان پسر ۱,۶۳۲ و دانش آموزان دختر ۲,۰۱۳ است. مقدار تی در سطح ۶۱ درجه آزادی ۰,۹۳۲ است که در سطح ۰,۰۵ معنادار نیست. بنابراین فرضیه صفر که بیان می‌کند تفاوت معنی داری بین دستاورد علمی دختران و پسران در وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین وجود ندارد، پذیرفته می‌شود. این نشان می‌دهد که پیشرفت علمی دانش آموزان دختر و پسر در وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین به طور قابل توجهی متفاوت نیست. نتایج نیز در شکل ۳ زیر نشان داده شده است.

شکل ۳. دستاوردهای علمی دانش آموزان دختر و پسر در وضعیت اقتصادی- اجتماعی پایین

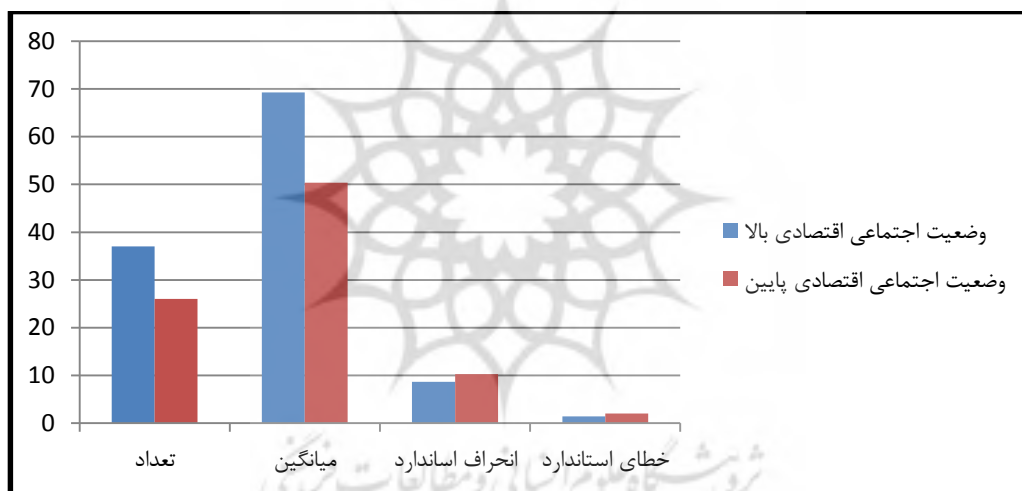


جدول ۴. تفاوت بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مذکر در وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا و پایین

مقدار تی	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	وضعیت اجتماعی اقتصادی (مذکر)
۶,۵۸۶	۲,۳۰۸۵۸	۱۵,۱۳۸۳۸	۶۷,۱۳۹۵	۴۳	بالا
درجه آزادی: ۷۸	۱,۶۳۲۰۵	۹,۹۲۷۳۶	۴۷,۹۴۵۹	۳۷	پایین

در جدول فوق ۴۳ دانش آموز پسر از وضعیت اجتماعی بالا و ۳۷ دانش آموز پسر از وضعیت اجتماعی پایین اقتصادی وجود دارد. میانگین نمرات پیشرفت دانش آموزان پسر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا، ۶۷,۱۳۸ می باشد و میانگین نمرات پیشرفت دانش آموزان پسر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی ۴۷,۹۴۵ است. این نشان می دهد که دانش آموزان پسر پایین تر کسب می کنند. انحراف معیار دانش آموزان پسر که دارای وضعیت اجتماعی بالاتری هستند، ۱۵,۱۳۸ و انحراف معیار دانش آموزان پسر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین ۹,۹۲۷ است. پیشرفت دانش آموزان پسر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا ۲,۳۰۸ است و پیشرفت دانش آموزان پسر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین ۱,۶۳۲ است. مقدار تی در درجه آزادی ۷۵ برابر با ۶,۵۸۶ است که در سطح معناداری ۰,۰۵ معنی دار است. بنابراین فرضیه صفر که بیان می کند بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر با وضعیت - اقتصادی بالا و دانش آموزان پسر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین، تفاوتی وجود ندارد، رد می شود. این مورد تفسیر می کند که وضعیت اقتصادی- اجتماعی دانش آموزان پسر بر پیشرفت تحصیلی آنها تأثیر می گذارد. نتایج در شکل ۴ در زیر نشان داده شده است.

شکل ۴. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بال و پایین



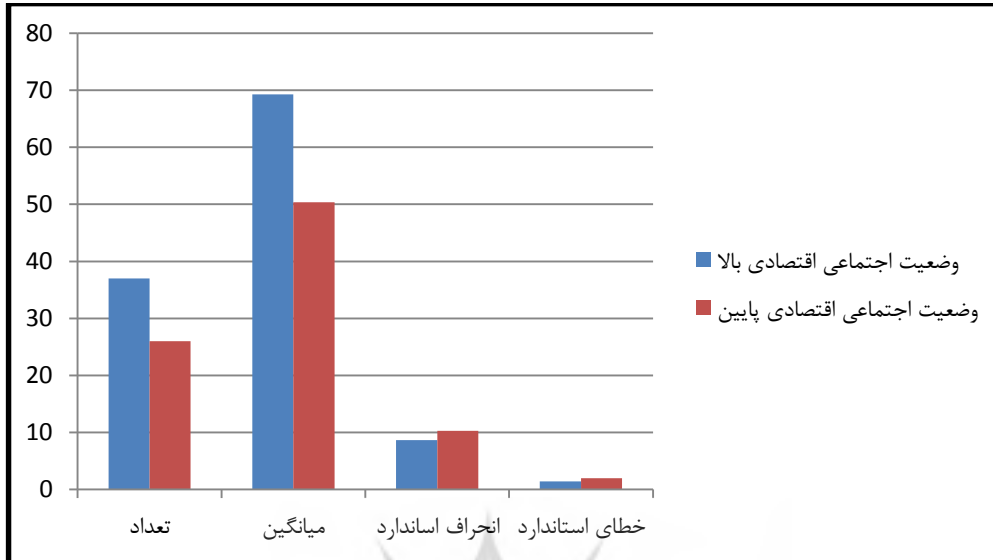
جدول ۵. تفاوت پیشرفت تحصیلی دانش آموزان زن در وضعیت اقتصادی- اجتماعی بالا و پایین

مقدار تی	خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	وضعیت اجتماعی اقتصادی (مونث)
۷,۹۱۵	۱,۴۲۰۹۱	۸,۶۴۳۰۷	۶۹,۲۷۰۳	۳۷	بالا
درجه آزادی: ۶۱	۲,۰۱۳۷۵	۱۰,۲۶۸۱۷	۵۰,۳۴۶۲	۲۶	پایین

در جدول فوق، ۳۷ دانش آموز دختر دارای وضعیت اقتصادی- اجتماعی بالا و ۲۶ دانش آموز دختر دارای وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین وجود دارد. میانگین نمرات پیشرفت دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا، ۶۹,۲۷۰ می باشد و میانگین نمرات پیشرفت دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین ۳۴,۳۴ است. این نشان می دهد که دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا پیشرفت بالاتری نسبت به پیشرفت دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین دارند. انحراف معیار دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا ۶۴۴۳ و انحراف معیار دانش آموزان زن دارای وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین ۱۰,۲۶۸ است. پیشرفت دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا ۱,۴۲۰ است و پیشرفت دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی پایین ۲,۰۱۳ است. مقدار تی در سطح آزادی ۶۱ معادل ۷,۹۱۵ است که در سطح معناداری ۰,۰۵ معنی دار است. بنابراین فرضیه صفر که بیان می کند تفاوت معنی داری بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر با وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالا و دانش آموزان زن با وضعیت اجتماعی-

اقتصادی پایین وجود ندارد، رد می‌شود. این امر تفسیر می‌کند که وضعیت اجتماعی- اقتصادی دانش آموزان دختر بر پیشرفت تحصیلی آنها تأثیر می‌گذارد. نتایج نیز در شکل زیر نشان داده شده است.

شکل ۵. موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر با وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا و پایین



نتیجه‌گیری

استفاده از آزمون t نشان می‌دهد که میانگین نمرات دانش‌آموزان در دبیرستان، از لحاظ جنسیتی تفاوت چندانی ندارد. یعنی وقتی که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر با هم مقایسه شد، تفاوت چندانی مشاهده نشد. این مطالعه نشان می‌دهد که جنسیت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان تاثیر نمی‌گذارد. یافته‌های این مطالعه با یافته‌های مطالعات خارجی قبلی همراستا است. تاج و بارگوا (۱۹۹۹) یک مطالعه مشابه را در رابطه با همبستگی اجتماعی روانی عملکرد تحصیلی انجام داده و دریافتند که جنسیت بر پیشرفت تحصیلی تاثیر نمی‌گذارد. هنگامی که تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس وضعیت اقتصادی اجتماعی به منظور بررسی تفاوت بین دستاوردهای علمی وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالا و پایین دانش‌آموزان پسر در سطح متوسطه انجام شد، یافته‌ها نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین آنها وجود ندارد. بر اساس این نتایج می‌توان گفت که پسرانی که از وضعیت اجتماعی اقتصادی بالاتری برخوردار هستند، موفقیت تحصیلی بالاتری را در مقایسه با پسرانی که از وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین‌تری برخوردارند از خود نشان می‌دهند، زیرا والدین آنها امکانات لازم را در رابطه با آموزش فرزندان، بهداشت و درک مشکلات مربوط به دوره نوجوانی که بر پیشرفت تحصیلی آنها تأثیر می‌گذارد، را به آنان ارائه می‌کنند [۷]. این نتیجه توسط مطالعات پیشین نظیر کاور (۱۹۷۱) پشتیبانی می‌شود، این مطالعه بر روی نمونه‌ای متشکل از ۶۰ پسر در شهر پایتلا انجام شد و در آن همبستگی بسیار قابل توجهی بین دستاوردهای تحصیلی دانش‌آموزان در وضعیت اجتماعی-اقتصادی متفاوت در مدارس متوسطه مشاهده شد [۸]. علاوه بر این، هاویگ هرست (۱۹۶۴) یک مطالعه در مورد پسران دبیرستانی را در شش مدرسه مختلف در شرق آمریکا انجام داد. او متوجه شد که پسران واقع در وضعیت اجتماعی پایین‌تر مجازات مستقیم‌تری را دریافت می‌کنند. گزارش‌های معلم از مشاوره با والدین نیز خلاصه شده است. بر اساس اظهارات نویسندگان، اکثر مشاوره‌های مربوط به رشته با والدین پسرانی با وضعیت پایین‌تر انجام شد؛ کسانی که تحت تاثیر منفی گروه همسالانی با وضعیت اقتصادی مشابه قرار داشتند و این فاکتورها بر پیشرفت تحصیلی آنها تأثیر داشت [۹].

هنگامی که داده‌ها برای مشاهده تفاوت بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر متعلق به وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالا و پایین تجزیه و تحلیل شدند، تفاوت معنی‌داری بین آنها وجود داشت. در مطالعات وایت و سیرواستاوا این دیدگاه به شدت مورد حمایت قرار گرفته است؛ زیرا آنها وضعیت اقتصادی اجتماعی را پیش‌بینی کننده قوی دستاوردهای تحصیلی دختران می‌دانند. آنها دریافتند که دختران متعلق به وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین مشغول فعالیت خانوادگی خود با مادرشان در اوان زندگی خود هستند و زمان و امکانات زیادی ندارند تا بتوانند نمره علمی خوبی بدست آورند. تجزیه و تحلیل راتمن (۲۰۰۳) نشان داد که در مدرسه مشابه، دختری با وضعیت اجتماعی اقتصادی بالاتر دستاوردهای تحصیلی بهتری نسبت به دختری با وضعیت اجتماعی اقتصادی پایین‌تر خواهد داشت [۱۰]. همچنین در مطالعه خود منون (۱۹۷۳)، تفاوت بین گروه‌های وضعیت اجتماعی و اقتصادی بالا و پایین را مورد بررسی قرار داد. وی نتیجه گرفت که دستاوردهای علمی تحت تأثیر وضعیت اقتصادی اجتماعی قرار دارد. کسانی که به وضعیت اقتصادی اجتماعی بالا تعلق دارند عملکرد بهتری را از خود نشان دادند [۱۱].

محدودیت مطالعه

تنها یک تحقیق برای پوشش همه جنبه‌های متغیرهای مرتبط با مسئله مورد بررسی کافی نیست. اگرچه این مسئله بسیار طبیعی است و در همه جا شایع است اما به دلیل کمبود زمان و منابع، تمام جنبه‌های متغیر را نمی‌توان پوشش داد و مطالعه به روشهای متعددی محدود شده است. این موضوع باید از لحاظ جمعیت تحت پوشش، نمونه انتخاب شده، دامنه متغیرهای مورد مطالعه و دامنه تعمیم‌پذیری و غیره تعیین شود.

۱. با توجه به کمبود زمان و منابع، مطالعه فقط در مورد دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام شد.
۲. پدیده پیشرفت تنها در رابطه با جنسیت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.
۳. محدوده مطالعه تنها مناطق شهری شهر شهرکرد را پوشش می‌دهد. نمی‌توان نتیجه این مطالعه را به تمامی مدارس تعمیم داد زیرا شرایط آنها با هم متفاوت است.
۴. مطلوب است که محقق به منابع اصلی یا دست اول برای مطالعه دسترسی داشته باشد. اما از آنجا که دسترسی به برخی از مواد از منابع دست دوم ممکن بود این امر محقق نشد.
۵. اگر چه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده برای انتخاب نمونه‌ها در دامنه قابل پیش‌بینی به کار گرفته شد، اما با توجه به عوامل دیگر مانند اجازه استفاده از آزمون‌ها و در دسترس بودن مدارس، محقق را مجبور به نمونه‌گیری هدفمند به عنوان یک روش جایگزین برای انطباق مطالعه کرد.

منابع و مراجع

- [1] Becker and Tomes (1979), "An Equilibrium Theory of the Distribution of Income and Intergenerational Mobility." *Journal of political economy*, 87, 1153-1189
- [2] Drummond & Stipek (2004), "Low Income Parent's Beliefs about Their Role in Children's Academic Learning." *The Elementary School Journal* Vol. 104, No-3, 197-213
- [3] Chopra (1964), "A study of Relationship of Socio-economic factors with environments of the students in the secondary schools". Doctoral dissertation, Lucknow University
- [4] Goswami. R. (1982). "An Enquiry into Reading Interests of the Pupils of Standard VII to X in Relation to Intelligence", SES and Academic Achievement. Doctoral Dissertation, M. S. University, Baroda.
- [5] Sirin (2005) , Socio-economic status and Academic achievement, " A meta analytical Review of educational Research, 75(3), 417-453
- [6] Meeuwisse, Severiens and Born (2010), "Reasons from withdrawal from higher vocational education . A comparison of Ethnic minority and majority Non completers" *Studies in higher education* 35(1) , 93-111. Lokan, Green wood and Cresswell, 2001, p, 151
- [7] Taj, Haseen, Bhargava, & Mahuh. (1999). "Social-Psychological Correlates of Academic Performance." *Asian Journal of Psychology and Education*, 32 (7-8), 16-32.
- [8] Kaur (1971) , "A study of relationship of socio-economic status with the achievement of students nisecondary school" PhD thesis in education pan university
- [9] Robert J. Havighurst (1964)"The Chicago School Survey" *The Phi Delta Kappan international*, Vol. 46, No. 4, pp. 162-166.
- [10] Rothman's (2003), "The changing influence of socio economic status on students academic achievement," recent evidence from Australia , Paper presented at the annual meeting of the American education Research Association , Chicago , April 2003
- [11] Menon (1973) , "Performance of students of polytechnics in relation to their socio-economic status and aspiration level" PhD thesis in education